

## عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین (مورد مطالعه: اسلام‌آباد کرج)

حجت‌الله مرادی \*

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۲۰

محسن خلیج زاده \*\*

تأیید مقاله: ۱۳۹۶/۰۲/۰۲

### چکیده

این مقاله با هدف بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی مؤثر در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین شهر کرج تدوین شده، و با رویکرد کاربردی و روش توصیفی - پیمایشی و با شاخص‌سازی بر چهار متغیر فیزیکی - کالبدی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به آزمون فرضیه پرداخته است که روش سنجش متغیرها بر اساس پرسشنامه با جامعه آماری ۵۷ نفر به صورت تمام‌شمار و هدفمند شامل صاحب‌نظران، کارشناسان و خبرگان حوزه امنیتی و بحران، علوم اجتماعی و مدیریت شهری انجام شده است. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS مورد محاسبه قرارگرفت است. یافته‌ها گویا است که عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به ترتیب در پدیدایی بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین شهر کرج به صورت مستقیم و غیرمستقیم تأثیرگذار است.

**کلیدواژه‌ها:** حاشیه‌نشین، کلانشهرها، امنیت شهری کرج، بحران امنیتی، مناطق حاشیه‌نشین و کلانشهر کرج.

---

\* استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت بحران

## مقدمه

پدیده حاشیه‌نشینی در تاریخ اجتماعی انسانها ریشه دارد و تبلور آن در قالب گتوهای نژادی، دینی بوده است و در جوامع کهن‌سال از آن تحت عنوان سکونتگاه‌های فقیر نامبرده‌اند (لطفی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۸). حاشیه‌نشینی در ایران از زمانی پدیدار شد که جمعیت کوچ روی آسیای مرکزی با اجازه یا بدون اجازه شاهان ایران از شرق به غرب حرکت می‌کردند و در مسیر خود در اطراف شهرهای محصور در برج و باروی بیرون قلعه چادر برپا، و مدتی در آنجا زندگی می‌کردند (مشکور، ۱۳۷۵: ۱۴۱). یکی از عوامل عمده ایجاد ناپایداری در مناسبات شهری بویژه کشورهای در حال توسعه، حاشیه‌نشینی است که بنا به مشاهدات جهانی در حال توسعه و گسترش فزاینده‌ای است؛ بدین‌سان اسکان غیر رسمی به سبب وجود ابعاد کالبدی، فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نهایتاً پیامدهای امنیتی آن و تحمیل هزینه‌های سنگین برای حل مشکلات، تهدیدی جدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری تلقی می‌شود به‌گونه‌ای که به تدابیر ویژه برای ساماندهی وضعیت کنونی و جلوگیری از گسترش آن در آینده نیاز جدی دارد که باید در دستور کار مدیران و دولتمردان قرار گیرد (حسینی، ۱۳۹۳: ۱۲۴).

مسئله مهم این است که مناطق حاشیه‌نشین شهر کرج ضمن تأثیرگذاری بر همان مناطق در نهایت بر امنیت این کلانشهر نیز تأثیر می‌گذارد؛ چرا که عوامل اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و فیزیکی و کالبدی این مناطق و افزون بر آن درهم‌تنیدگی کالبدی و جغرافیای کرج با محلات آن به ظهور و بروز نامنی در این مناطق منجر شده و در ادامه به شهر کرج سرایت کرده، و امنیت این شهر را نیز تحت تأثیر قرار داده است. به علت نزدیک بودن کرج به تهران، احتمال انتقال هرگونه بحران به کلانشهر تهران نیز به‌عنوان مرکزیت جمهوری اسلامی ایران وجود دارد و هرگونه تحولات و بروز بحران در آن در سطح کشور و یا منطقه

تأثیرگذار خواهد بود. مسئله دیگر این است که در تمامی آثار و پژوهشها به صورت کلان به تأثیر حاشیه‌نشینی بر امنیت شهری و امنیت اجتماعی شهرها پرداخته شده ولی عوامل مؤثر بر پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین بویژه کرج مشخص نیست؛ لذا این مقاله بر آن است تا با مشخص کردن عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین کرج با ارائه راهکارها و راه‌حلهایی اولاً در ابتدا ظهور و بروز بحرانهای امنیتی در این مناطق و نهایتاً کلانشهر کرج را به حداقل برساند و در ادامه از پیدایش این‌گونه بحرانها جلوگیری کند و ثانیاً مدیران و مسئولان شهری با تلاش، برنامه‌ریزی مدون و ایجاد آمادگی درون‌سازمانی بتوانند در جهت مدیریت بحران مناطق حاشیه‌نشین کلانشهر کرج گام مؤثری بردارند.

## تعاریف و ادبیات نظری

### حاشیه‌نشینی<sup>۱</sup>

چارلز آبرامز<sup>۲</sup>، کارشناس معروف مسکن از مفهوم حاشیه‌نشینی تعبیری به این شرح ارائه کرده است: ساختمان و یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسایی عرصه خدمات درمانی، تراکم جمعیت در واحدهای مسکونی، نبودن آسایش لازم و خطرات ناشی از عوارض طبیعی نظیر سیل دیده می‌شود (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۳۴). این کارشناس، حاشیه‌نشینی را در معنای عام شامل تمام کسانی می‌داند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند؛ ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. حاشیه‌نشینی را می‌توان نوعی سکونت در فضای شهری دانست که در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و حقوقی با دیگر انواع سکونت در شهر، تفاوت‌های اساسی نشان می‌دهد (coit.1994:11) به‌طورکلی، حاشیه‌نشینی وضع زندگی تمام کسانی است که در جامعه شهری ساکن هستند ولی از نظر درآمد

1 - Marginalization

2 - Charles Abrams

و بهره‌گیری از امکانات و خدمات شهری در موقعیت نامطلوبی به سر می‌برند (Coit, ۱۹۹۴, ۱۱۶).

### مفهوم حاشیه‌نشینی از دیدگاه امنیتی

در نگرش حقوقی و امنیتی، حاشیه‌نشینی یکی از پدیده‌های مستعد رشد نابهنجاری اجتماعی، و به تعبیر کارشناسان خطری پنهان است که وجود دارد و پیوسته شدت، امنیت شهرها و شهروندان را در مخاطره می‌اندازد؛ اما هیچ‌گونه نامنی ذهنی ایجاد نمی‌کند. این پدیده، خطری بالفعل است که به آن خو کرده و با تهدیدات آن انس یافته‌ایم؛ چون تدریجی، و معلول توسعه‌یافتگی است.

حاشیه‌نشینی از یک‌سو حاشیه امن مجرمان و بزهکاران است و از سوی دیگر حاشیه ناامن شهروندان به‌شمار می‌رود. در این میان قربانیان واقعی، انسانهایی هستند که برای ادامه حیات و بقای خود از همه توان خویش به هر بهایی بهره گرفته‌اند. این سکونتگاه‌ها پذیرای ناهنجاریها و برانگیزاننده آسیبهای اجتماعی است که گاه در استدلالی وارونه، همان علت پیدایش این سکونتگاه‌ها قلمداد می‌شود (ارمغان، ۱۳۸۹: ۴۸).

### امنیت شهری<sup>۱</sup>

امنیت شهری به معنای فراغت از هرگونه تهدید و تعرض نسبت به حقوق و آزادیهای مشروع و قانونی شهروندان، و از سه لایه اصلی و متکامل تشکیل شده که عبارت است از امنیت فردی، امنیت اجتماعی و امنیت ملی (کارگر، ۱۳۸۶: ۱۴۲).

### بحران<sup>۲</sup>

بحران وضعیتی است که در آن، واحد تصمیم‌گیرنده نسبت به ارزشهای حیاتی خود احساس تهدید جدی می‌کند. بروز تهدید با نوعی غافلگیری همراه است و زمان لازم برای تصمیم‌گیری و نشان دادن واکنش محدود است و پاسخگویی به

1 - Urban Security  
2 - Crisis

تهدید، مستلزم به‌کارگیری انرژی و سرمایه بیشتر از میزان مشابه آن در وضعیت عادی است (حسینی و جدی، ۱۳۸۵: ۱). بحران به وضعیتی اطلاق می‌شود که با تهدید شدید، عدم قطعیت و احساس فوریت همراه است و طیف وسیعی از پدیده‌ها مانند فجایع طبیعی و فناوری، ستیزها، آشوبها و اقدامات تروریستی می‌تواند در این تعریف جای گیرد. بحران، ابعاد و جوانب مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و عوامل ایجادکننده آن متفاوت است (روزنتال<sup>۱</sup>، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

### بحران امنیتی<sup>۲</sup>

با توجه به چرخه فرایندی تبدیل بحران از اجتماعی تا امنیتی شدن، می‌توان بحران امنیتی را این‌گونه تعریف کرد:

بحرانهای سیاسی زمانی امنیتی می‌شود که گروه‌های مختلف سیاسی، اطمینان و اعتماد خود را نسبت به یکدیگر از دست می‌دهند و در مورد مقاصد یکدیگر بدترین فرضها را در نظر می‌گیرند. در این حالت، نظام سیاسی با تهدیدات وجودی مهمی نظیر بی‌ثباتی، برهم خوردن انسجام اجتماعی و تهدید جدی ارزشهای اساسی روبه‌رو می‌شود و مشروعیت یا اقتدار دولت مورد تردید قرار می‌گیرد. وجه مشخص امنیتی شدن بحرانهای اجتماعی، بروز رفتار خشونت‌آمیز و یا استفاده از ابزارهای خشونت‌زا از سوی بازیگران صحنه بحران، درگیری زیاد افکار عمومی و رسانه‌ها، ایجاد جو روانی هیجان، تنش و فشار روانی در جامعه است. با افزودن وصف امنیتی به بحرانهای اجتماعی و سیاسی، ضرورت حق و برخورد با بحران با توسل به شیوه‌های خارج از عرف معمول سیاسی، مطرح می‌شود؛ به عبارت دیگر، بحران امنیتی مرحله‌ای از حاد شدن اوضاع را نشان می‌دهد که در آن مداخله نهادها و سازمانهای امنیتی به امری پذیرفته‌شده تبدیل می‌شود. در این حالت، بحران

1 - Rosenthal  
2 - Security crisis

فرصت می‌یابد سازوکارهای کنترل‌کننده اداری و سیاسی را کنار بزند و به‌صورت پدیده‌ای آشکار و در سطح نمایان شود (امیری، ۱۳۹۱: ۲۲۳). بحران به مجموعه موقعیت و وضعیت‌هایی اطلاق می‌شود که ارزش و اهداف اساسی در حوزه امنیت (فردی، اجتماعی، ملی) را به مخاطره می‌اندازد و ابعاد سه‌گانه تهدیدات علیه دستاوردهای انقلاب اسلامی، تهدیدات علیه نظم و امنیت اجتماعی و تهدیدات علیه آسایش عمومی و فردی را شامل می‌شود.

### فرایند تغییر ماهیت بحرانها از اجتماعی تا امنیتی

بحران، مرحله‌ای حساس یا نقطه عطف در تاریخ زندگی نظام اجتماعی است که در آن سرنوشت نظام رقم می‌خورد؛ به‌عبارت دیگر، بحران نقطه گسست حیات نظام اجتماعی است که در آن روند عملکرد روزانه هر نظام از حالت عادی و باثبات خارج، و رفتاری ناآشنا و غریب از آن نمایان می‌شود. ویژگی اصلی این وضعیت، «غافلگیری، تهدید زیاد ارزشهای اساسی و زمان کم برای تصمیم‌گیری» است (هولستی<sup>۱</sup>، ۱۹۷۸: ۴۱). منظور از بحرانهای اجتماعی آن دسته بحرانهایی است که به گروه‌های اجتماعی گسترش می‌یابد و موجب به مخاطره‌افتادن و به هم خوردن تعادل عمومی و زندگی اجتماعی می‌شود. زمانی نشانگان هر بحران اجتماعی از نظر کمی و کیفی آشکار می‌شود که نظام اجتماعی، توانایی حل مسائلی را از دست می‌دهد که پیش از این می‌توانست آنها را حل کند و در نتیجه، قادر به مهار و کنترل حوادث غیر دلخواه نیست (امیری، ۱۳۹۱: ۲۲۲). در این موقعیت، راه‌حلهای اداری و بوروکراتیک جای خود را به راه‌حلهای سیاسی می‌دهد و بازیگرانی از جنس سیاستمداران وارد عرصه مدیریت بحران می‌شوند. بحرانهای سیاسی برخلاف بحرانهای اجتماعی از ویژگی آشکار بودگی بیشتر برخوردار است و به همین دلیل مورد توجه بخش وسیعی از جامعه قرار می‌گیرد. ورود بازیگران تأثیرگذاری چون رسانه‌های جمعی و گروه‌های مختلف اجتماعی دامنه و شدت

این‌گونه بحرانها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و فشارهای روحی و روانی زیادی را تولید می‌کند. در این وضعیت، بازیگران امنیتی‌کننده می‌توانند اجازه یابند قواعد معمول را زیر پا گذارند و ادعا کنند که با شیوه معمول نمی‌توانند با تهدیدات مقابله نمایند. در این حالت، ناامنی و خطر در میان بازیگران مختلف به صدا در می‌آید و به‌صورت بحران امنیتی در سطح جامعه و نهادهای امنیتی مطرح می‌شود.

### نظریه محرومیت نسبی<sup>۱</sup>

در ابتدا و پیش از پرداختن به ارتباط بین حاشیه‌نشینی و محرومیت نسبی ناشی از این مناطق و نهایتاً ظهور و بروز ناامنی اجتماعی، آشوب و بحرانهای اجتماعی و امنیتی این حوزه شهری به نظریه محرومیت نسبی مختصراً اشاره، و در ادامه ارتباط این سه مؤلفه اصلی تشریح می‌شود. اولین بار در دهه ۱۹۴۰، نویسندگان کتاب "سرباز امریکایی" مفهوم محرومیت نسبی<sup>۲</sup> را به کار بردند. آنها از این مفهوم برای نشان دادن احساسات فردی استفاده کردند که فاقد منزلت یا شرایطی است که به اعتقاد خویش باید داشته باشد. معیار چنین شخصی مراجعه به داشته‌های اشخاص یا گروه‌های دیگر است. این مفهوم هم‌چنین توسط جامعه‌شناسانی مانند جودیس بلاو و پیتر بلاو<sup>۳</sup> (۱۹۸۲) مطرح شده است. احساس محرومیت به احساس نارضایتی منجر می‌شود و عدم اعتماد را در آنها پرورش می‌دهد. در نتیجه شانس پیشرفت آنها از طریق مشروع از بین می‌رود و احساس ناتوانی را به‌وجود می‌آورد که دشمنی و پرخاشگری و سرانجام خشونت و جرم را به دنبال خواهد داشت. به‌طور کلی در تعریف مفهومی، محرومیت نسبی، اختلافات منفی میان انتظارات مشروع و واقعیت است (رابرت گر، ۱۳۷۷: ۵۴). از نظر تد رابرت گر، محرومیت نسبی زمانی به وجود می‌آید که فردی چیزی را مشاهده می‌کند که خود ندارد؛ اما دیگری دارد و آن فرد مایل است آن چیز را داشته باشد (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۴۴).

1 - Theory Development

2 - Relative Deprivation

3 - Juidith Blav and Peter Blav

نظریه محرومیت نسبی برای تشریح خشونت‌ها و ناآرامیها در مطالعات اجتماعی کاربرد زیادی دارد. بر اساس این رویکرد، نارضایتی و شورش هنگامی صورت می‌گیرد که مردم به این نتیجه می‌رسند که کمتر از آنچه حقشان است، دریافت می‌کنند. به نظر تد رابرت گر، محرومیت نسبی (اعم از فردی یا جمعی) نتیجه احساس وجود شکاف غیر قابل تحمل میان توقعات ارزشی و قابلیت‌های ارزشی است. الیورت ارنسون<sup>۱</sup> نیز تأکید می‌کند انقلابها و شورشها توسط مردمی آغاز می‌شود که تازه سر بلند کرده‌اند و با مقایسه وضعیت خود و دیگران، متوجه بی‌عدالتیهای حاکم بر زندگی خود می‌شوند (مقصودی، ۱۳۸۰). البته طبیعی است احساس محرومیت می‌تواند در عمل و به‌صورت واقعی وجود نداشته باشد. بر اساس این دیدگاه، شورش و بحرانهای سیاسی هنگامی انجام می‌شود که مردم به این نتیجه برسند که کمتر از آنچه حقشان است، دریافت می‌کنند. این گروه‌ها و افراد برای دستیابی به حقوق و منافع بیشتر یا تسکین سرخوردگی ناشی از محرومیت به پرخاشگری و خشونت سیاسی متوسل می‌شوند. این مسئله گاهی می‌تواند هم‌چون بشکه‌ای باروت برای ایجاد آشوبهای اجتماعی عمل کند (برآبادی، ۱۳۸۱: ۴۹).

#### مناطق حاشیه‌نشین

منظور از مناطق حاشیه‌نشین در این مقاله مناطقی است که در تمامی جهات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی، حقوقی، سابقه استقرار، چگونگی شکل‌گیری و سیر تحولات تاریخی با کل شهر و بخش مجاور خود تفاوت اساسی و فاحشی دارد و یا مناطق غیر رسمی و نامتعارف شهری است که فضایی بیمارگونه از اقتصاد، مدیریت و برنامه‌ریزی فضایی - منطقه‌ای ضعیف و نادرست را به تصویر کشیده و معلول بی‌عدالتیهای اجتماعی - اقتصادی در سطوح ملی، استانی و محلی است.

1 - Eliort Arneson



ابعاد، مؤلفه‌ها، ریشه‌ها، ویژگیها و مصداقهای مناطق حاشیه‌نشین از نظر دفتر توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی در جدول ذیل ارائه شده است.

ابعاد	مصداقها
ویژگیهای حاشیه‌نشینان	بیشتر افراد مهاجر، روستایی، عشایر و کمتر شهری هستند. جذب نظام اجتماعی و اقتصادی شهری نشده و به‌عنوان شهروند مشروع در جامعه شهری پذیرفته نشده‌اند. فاقد مهارت لازم و در بعضی از اوقات غیر ماهرند و اغلب، شغل هم ندارند. دچار فقر شهری (درآمد کم، سرمایه انسانی ضعیف، سواد کم، سلامتی در معرض تهدید، سرمایه اجتماعی کم، سرمایه اقتصادی کم) اغلب افراد فقیر و غالباً بیسواد و کم‌سواد، معمولاً فاقد شغل رسمی و وجود پررنگ زنان سرپرست خانوار
ریشه عمده حاشیه‌نشینی	فقر، درآمد کم و نامناسب بودن نظام مقررات ساختمان ناابرابری اجتماعی و رانده‌شدگی محدودیت‌های زادگاه افرادی که به حاشیه‌نشینی روی می‌آورند. رانده شدن تدریجی خانوارهای فقیر از مرکز به حاشیه و شاخصهای اجتماعی- اقتصادی نظیر تحصیلات، شغل و درآمد و عوامل دیگر
گونه‌های اجتماع در نقاط حاشیه‌نشین	سکونت در کانونهایی از شهر به‌صورت به‌هم پیوسته یا جدا از یکدیگر شکل‌گیری در محدوده اقتصادی شهرها فاقد جمعیتی همگن
مشخصات محلات حاشیه‌نشین	شکل‌گیری در پی ساخت‌وساز غیر استاندارد و غیر قانونی (در مسیر مسیل، پایین‌دست کارخانجات با دفع پسماندهای سمی، محلهای دفع زباله، مجاورت پایانه‌های مسافربری، ایستگاه‌های راه‌آهن و فرودگاه‌ها) پایین بودن سطح بهداشت (کاهش امید زندگی، افزایش بیماریها، فقر غذایی، کودکان با کوتاهی قد و کاهش وزن، زیاد بودن مرگ مادران در اثر بارداری و زایمان) و ایمنی، بروز جرائم و انزوای اجتماعی و شلوغی و ازدحام نبود یا ضعف جدی در دسترسی به خدمات پایه و خدمات شهری (آب، برق، بهداشت محیط، دفع فاضلاب، جمع‌آوری زباله، آسفالت معابر و خیابانها، روشنایی گذرگاه‌ها و ...)
مهمترین آسیبها و تهدیدات محیطی سکونتگاه‌های غیر رسمی	خطرهای ناشی از عدم ایمنی حمل و نقل، آلودگیهای صنعتی کارخانجات هموار و آسیب‌پذیری زیاد به دلیل رانش زمین و حوادثی نظیر سیل بروز بیماریهای عفونی بویژه سل و ایدز، آلودگی هوا، آب و خاک به دلیل انباشت زباله اشتغال به مشاغل غیرعادی (دستفروشی لباس کهنه)، مشاغل غیر قانونی (خرید و فروش مواد)، کودکان کار
آثار سیاسی حاشیه‌نشینی	حاشیه‌نشین‌ها، منشأ بزرگی از رأی در انتخابات توان ایفای نقش مخالفت حکومت
آثار اقتصادی حاشیه‌نشینی	حاشیه‌نشین‌ها وسیله تولید خدمات ارزان‌قیمت دسترسی محدود به اقتصاد رسمی و رایج بودن کسب درآمد از روشهای غیررسمی
آثار فرهنگی حاشیه‌نشینی	تعارض فرهنگی و تقابل هنجارها و ارزشها و بروز برخوردهای تنش‌زا در پی تکانه زندگی شهری و نبود حمایت اجتماعی شکاف آرمان، دستاورد در رسیدن به خواسته‌های شغلی و بروز ناکامیهای اقتصادی، غلبه حمایت فرقه‌ای و فامیلی

(دفتر توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، ۱۳۹۴)

## عوامل اجتماعی و فرهنگی مناطق حاشیه‌نشین

در عوامل اجتماعی و فرهنگی مناطق حاشیه‌نشین می‌توان به شاخصهایی از قبیل فرهنگها، آداب و رسوم مختلف، تنوع ویژگیها و قومیت‌های فرهنگی، تعلقات محلی شدید، تعصبات و وابستگی‌های قومی، فرهنگی و خانوادگی، ساختار و موقعیت نامطلوب اجتماعی - فرهنگی، خاستگاه فرهنگی و ویژگیهای فرهنگی خاص، انزواطلبی، مشارکت اجتماعی کم، عدم احساس تعلق به محیط شهری و گوشه‌گیری از جریان‌های شهری، بیگانگی از ارزشها و هنجارهای اجتماعی و عدم پذیرش از جانب محیط شهری، وجود فاصله طبقاتی و نابرابریهای اجتماعی و فرهنگی، داشتن مشاغل ابتدایی دون‌پایه، کاذب، غیر رسمی و غیر تولیدی، عدم ثبات شغلی، وجود کجرفتاریها و خرده‌فرهنگهای خاص متعدد، عدم انطباق وضع زندگی با مدنیت شهری (عدم همانندگرایی با محیط شهری)، وجود اختلافات و درگیریهای قومی، انواع نارضایتیها و نزاعهای جمعی، ضعیف بودن ضریب امنیت اجتماعی، ناهنجاریها، آسیبها و انحرافات اجتماعی متعدد، نداشتن آسایش اجتماعی و احساس خطر بین ساکنان، فقر فرهنگ شهرنشینی و پایبندی به سنتها، همبستگی در منافع و مسائل جمعی مشترک، فرهنگ قانونگریزی و واگرایی نسبت به قوانین شهری، احساس تحقیر اجتماعی حاشیه‌نشینان، اختلال در هویت و احساس بی‌هویتی (بحران هویت)، بافت جمعیتی ناهمگون، تعارض و اختلافات فرهنگی و قومی متعدد (هویت قومی و گروه‌گرایی)، احساس تبعیض، بی‌عدالتی، حقارت و آمادگی برای آشوب و انفجار، جوان بودن ترکیب جمعیتی و زیاد بودن نسبت گروه سنی جوان، میزان زیاد بیسوادی و کم‌سوادی، مطالبه و خاستگاه برخورد اجتماعی و تساوی در امکانات اجتماعی و فرهنگی با دیگر حوزه‌های شهری، سازمان‌یافتگی درونی حاشیه‌نشینان، وجود زندگی منفعلانه و یا نیمه فعال، بیکاری فزاینده و اشتغال به شغل‌های پست و غیر اقتصادی بیشتر با منشأ بزه در این مناطق می‌توان

اشاره کرد.

### ویژگیهای مناطق حاشیه‌نشین

در اشاره به ویژگیهای مناطق حاشیه‌نشین در راستای جامعیت و ویژگیهای این مناطق در این پژوهش از نظر تعدادی از صاحب‌نظران و کارشناسان علوم اجتماعی داخلی و خارجی استفاده شده است که به آنها اشاره می‌شود: فراوانی زاد و ولد، بهداشت بسیار عقب‌مانده، گرایشهای کورکورانه دینی و تقدیرپرستی محض، سستی و کاهلی درباره هر نوع تلاش و تکاپوی شخصی، کوشش و تکاپو در فعالیتهای سیاسی کور و بی‌هدف، گرامیداشت هر نوع تظاهرات و تجمعات و نمایشهای مذهبی سرگرم‌کننده، خو گرفتن به بی‌اعتنایی در نتیجه تبلیغات عناصری که تکاپوی انسان را در برابر تقدیر و قسمت بی‌حاصل تلقین می‌کند، محروم ماندن از ارتباط با افراد دانا و خیرخواه و ارتباطات اجتماعی سودمند، بیسواد و بیکاره بار آمدن فرزندان، محاصره بودن در طبقه معیوب اجتماعی، تسریع آلودگی محیط زیست، شغل‌های کاذب، بیکاری نامحدود، تحقیر اجتماعی، واحدهای مسکونی رو به ویرانی و فرسوده با تجهیزات ناقص، تسلط فرهنگ فقر و انعکاس آن در رفتارهای اجتماعی مردم، فقر اقتصادی، گوشه‌گیری مردم نسبت به بیشتر جریانهای شهری، عدم توجه و بی‌اعتنایی سازمانها، از دست دادن هویت. شخص مهاجر با تغییر محیط اجتماعی بتدریج جامعه زادگاهش را، که معرف هویت اوست، فراموش می‌کند و باوجود کوششی که در جهت انطباق با سنتها و ضوابط شهر میزبان به خرج می‌دهد به علت تفاوت فرهنگی محسوس، دچار تزلزل شخصیتی می‌شود؛ احساس عدم امنیت می‌کند و می‌پندارد که به او ظلم شده و این امر ممکن است سبب بروز واکنشهای متضاد گردد. وقتی بین دو شیوه زندگی و دو نظام ارزشی، ناسازگاری و تضاد پیدا شود، طبعاً برخورد فرهنگی و سرانجام جرم به وجود می‌آید (روح‌الامینی، ۱۳۷۴: ۵۷).

سیمون چپمن<sup>۱</sup>، هشت ویژگی را برای مناطق حاشیه‌نشین و موارد مشابه آن به این شرح برمی‌شمارد:

۱ - عموماً غیر قانونی هستند. ۲ - غالباً خلق‌الساعه هستند و از مواد و مصالح مختلف ساخته شده‌اند. ۳ - معمولاً به وسیله خود ساکنان احداث شده‌اند. ۴ - فاقد خدمات شهری مانند راه آسفالته، برق و سامانه دفع فاضلاب هستند. ۵ - توسعه آنها بدون برنامه‌ریزی و اغلب به صورت اتفاقی صورت می‌گیرد. ۶ - مکان‌گزینی آنها اغلب در لبه‌های شهری، حواشی خطوط آهن و بزرگراه‌ها و یا زمینهای خالی از سکنه‌ای صورت می‌گیرد که در مجاورت مناطق مرکزی شهرها قرار دارند. ۷ - معمولاً در مناطق نامناسب شهری (مانند زمینهای ناهموار، حواشی کارخانجات، در مجاورت زمینهای رهاشده و بلااستفاده) تشکیل می‌شوند. ۸ - جمعیت متراکم دارند که متشکل از خانواده‌های پرجمعیت است (احمدیان، ۱۳۸۲: ۲۸۱).

#### پیامدهای اجتماعی حاشیه‌نشینی

هویت قومی، پایبندی به سنتها، نداشتن تخصص، بیسوادی و کم‌سواد، درآمد کم و بویژه فرهنگ مستقل حاشیه‌نشینی، منشأ و محل تجمع کودکان فراری، کودکان خیابانی و کارتن‌خوابها، گروه‌گرایی و قوم‌گرایی شدید و همکاری با هم در فرار از قانون و همکاری نکردن با مأموران نیروی انتظامی و مأموران دولت.

#### پیامدهای فرهنگی حاشیه‌نشینی

فرهنگ قانون‌گریزی، ضعف در تعلق به هویت شهری، واگرایی شدید نسبت به قوانین شهری، انزوای طلبی، احساس غریبه بودن و بیگانگی، اختلال در هویت. این پدیده را اولین بار در جهان غرب، رابرت، شاگرد جرج زیمل و ایورت استونگویست، شاگرد پارک، تحت عنوان مهاجرت انسانی و منازل حاشیه‌نشین مورد مطالعه قرار دادند. از نظر آنها انسان حاشیه‌نشین، شخصیت بیگانه‌ای است که نسبت به دو نظام فرهنگی احساس بستگی و تعلق دارد ولی در عین حال خود را

1 - Simon Chapman

نسبت به هیچ‌کدام کاملاً متعلق و متمایل نمی‌داند.

### وجود خرده فرهنگهای مناطق کوچک

در مناطق حاشیه‌نشین، خرده فرهنگهای خاص مناطق کوچک هر یک از خانوارها مشاهده می‌شود که قبلاً ساکن آن بوده‌اند و اجتماعاتی در دل جامعه عیان می‌کند. این فرهنگها بسیار دیر جذب فرهنگ شهری می‌شود و این امر علاوه بر فقر فرهنگی افراد، امکان نفوذ از نظر فرهنگی و اجتماعی را در آنها برای اجرای برنامه‌های مختلف اجتماعی مانند بهداشت و تنظیم خانواده با مشکل روبه‌رو می‌کند.

### مرکز انحرافات و کجرویها

مارشال کلینارد معتقد است حاشیه‌نشین، مسئله و عارضه‌ای شهری است و منشأ عمده بزهکاری و جرم است. سهم زیادی از وقوع جرم در کشور به حاشیه‌نشینان اختصاص می‌یابد. به دلیل عدم تطابق هنجاری و دست نیافتن به شناخت اجتماعی حاشیه‌نشینان و هم‌چنین سطح نازل معیشت اقتصادی این طبقه اجتماعی، نوعی انحرافات نهادینه می‌شود و در کنش آنها به چشم می‌خورد. قاچاق مواد مخدر و جنایتها مبتنی بر هیچ‌انگاری ارزشهای اجتماعی از موارد قابل ذکر است. فقر و ناتوانی یا تمایل نداشتن بازار رسمی اقتصاد شهر نسبت به جذب حاشیه‌نشینان، آنان را به بازار فعالیتهای غیر رسمی می‌کشاند؛ بازاری که بخشی از محصولات آن در زمره کارهای ممنوع و بزهکارانه مانند مواد مخدر و دزدی است.

### آشوبهای اجتماعی

حاشیه‌نشینی در امنیت ملی نیز جایگاهی دارد. افراد جوان با توجه به احساس محرومیت نسبی و عدم توانایی ارضای نیازهای خود به‌صورت بالقوه به ناراضیهای تبدیل می‌شوند که ممکن است با وقوع هر حادثه‌ای با سازماندهی شدن به‌وسیله ارادل و اوباش به برهم زدن امنیت عمومی و اختلال دست بزنند؛ نمونه آن شورش سال ۱۳۷۰ مشهد است که از مناطق حاشیه‌نشین آن رقم خورد یا آشوب خیابانی

منطقه کمال‌شهر کرج در سال ۱۳۷۸ که به علت کم‌توجهی مسئولان در عرضه و توزیع خدمات رفاهی و معیشتی مناسب به آن مناطق شکل گرفت.

نبود شغل رسمی و درآمد کافی

بیشتر خانواده‌های حاشیه‌نشین، شغل رسمی برای تأمین معاش خود ندارند و چون این افراد عموماً فاقد مهارت و تخصص و سرمایه‌گذاری هستند به مشاغل کاذب و بعضاً مجرمانه مانند دستفروشی، کوپن‌فروشی، گدایی، زباله دزدی، خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی روی می‌آورند.

اعتیاد

از عوامل گرایش به اعتیاد، فقر و بیکاری، نبودن فقدان برنامه صحیح به منظور پر کردن اوقات فراغت، نابرابریهای اقتصادی - و اجتماعی و در دسترس بودن مواد مخدر را می‌توان نام برد (دهقان نیری، ۱۳۸۶).

اخلال در فرایند مشارکت

اگرچه نتایج بررسیهای اخیر نشان می‌دهد که سهم مشارکت برای حل مشکلات و معضلات حاشیه‌نشینان توسط خودشان تقریباً زیاد است، مجال طرح مسئله و مشکل به‌عنوان یکی از راهکارهای توسعه‌یافتگی در این مناطق، شدت و همبستگی قوی ندارد. حاشیه‌نشینان شهرهای بزرگ مثل تهران نه تولید علم و کشاورزی دارند و نه در ساختار تولید دخیلند. حاشیه‌نشینان جزء گروه‌های مصرف‌کننده‌ای تلقی می‌شوند که از منافع اقتصادی شهرها مانند آب، نان، درمان، تأسیسات زیربنایی (گاز و برق) استفاده می‌کنند؛ به‌عبارت دیگر، اینها از لحاظ اقتصادی بیشترین بار را روی دوش دولت می‌گذارند (کوثری و نجاتی حسینی، ۱۳۸۷: ۹۸).

## رابطه حاشیه‌نشینی با گسترش وندالیسم<sup>۱</sup> و آشوب اجتماعی

جوامع روستایی و عشایری به دلیل اوضاع جدید جهانی و شهری با رشد جمعیت که دیگر ظرفیتهای موجود جامعه کفاف آنها را نمی‌دهد و بسیاری از خدمات اجتماعی و امکانات زندگی و رفاه با مهاجرت این قشر بویژه نسل جوان شهرها را با مشکلاتی مواجه کردند و باعث افزایش بی‌حساب جمعیت شهری شدند و شهرها همواره ظرفیت لازم برای حداقل امکانات رفاهی و خدمات ضروری را به مهاجرین ندارد. به سبب قدرت خرید کم مهاجران مناطق محروم، آنان ناگزیرند که زمین‌های ارزان‌قیمت در حاشیه شهر یا زمین‌هایی را که در فاصله‌ای دورتر از شهر مالکی ندارد، تصاحب کنند و با حداقل امکانات، محل زندگی و حتی کار خود را بسازند. کمبودهای متعدد در هر زمینه‌ای موجب می‌شود تا آنان از طریق همبستگی گروه مضاعف، بسیاری از کارکردهایی را برطرف کنند که جامعه شهری نمی‌تواند آنها را برطرف کند و این به تشکیل گروه‌ها و جریانات و جنبش‌های پرشور منتهی می‌شود که می‌تواند با سرعت فشارهایی را به دولت و جامعه شهری وارد سازد. از طرفی، بسیاری از فعالیتهای این اقشار، که برخی به نان شب نیازمندند به‌سوی فعالیتهایی کشیده می‌شوند که به سبب آسیبهای اجتماعی کلان برای جامعه ممنوع و غیر قانونی به‌شمار می‌رود؛ بنابراین مقاومت این گروه‌ها برای کسب معاش از این طریق غیر قانونی به پیدایش باندهایی منجر می‌شود که انواع فعالیتهای غیر قانونی را به شبکه‌های درهم‌تنیده بدل می‌سازد که با نگاهی جزئی‌تر به آنان هم بتوان وضعیت این اقشار آسیب‌پذیر را بدتر کند و یا ناخواسته باعث گسترش آنها به زمینه‌های جدید و فعالیتهای جبرانی گسترده تبدیل شود. مجموعه آنها موجب می‌شود تا نارضایتی حاشیه‌نشینان به شکلی جمعی بروز، و در سطح اجتماعی به شکل اعتراضات گروهی و آشوبها بروز کند. چنین رفتاری هنگامی که به شخصیتی در افراد بدل شود، وندالیسم و آشوبهای اجتماعی مربوط به

۱ - Vandalism، وحشی‌گری

آن را پدید می‌آورد و گروه‌هایی را شکل می‌بخشد که تنها راه درست هر چیز را در خراب کردن و از بیخ و بن کندن آن می‌بینند. در این موقعیت اجتماعی، جوانان حاشیه‌نشین، هرچه بیشتر خود را با اخلاق، منشأ و نگرش و باورهای غالب حاشیه‌نشین همراه می‌سازند و جامعه‌پذیر می‌شوند؛ زیرا حامی‌ای جز آنان برای پاداش نگرشها و رفتارهایشان نمی‌یابند (مسگریان و دیگران، ۱۳۸۴: ۳۱۷).

در مورد تأثیر محیط زندگی و بویژه حاشیه‌نشین بر ارتکاب جرائم و بحرانهای امنیتی و اجتماعی باید گفت که قطعاً در وقوع جرم، محیط، اعم از محیط‌های اجتماعی و محیط زندگی تأثیر بسزایی دارد. این امر به اثبات رسیده است و در حال حاضر جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و حقوقدانان آن را پذیرفته‌اند. نظریات و نتیجه تحقیقات تاکنون بیان‌کننده تأثیرگذاری محیط در وقوع جرائم و افزایش بحرانهای امنیتی و افزایش اضطراب و احساس ناامنی برای مردم و ساکنان در شهرها است (کارگر، ۱۳۸۶: ۱۴۴).

### شهر کرج

کرج یکی از شهرستانهای استان البرز است که با وسعتی حدود ۱۴۰۶ کیلومتر مربع بین ۳۵ درجه و ۴۱ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۲۱ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۳۱ دقیقه طول شرقی واقع شده و مرکز آن شهر کرج است. این شهرستان دو بخش، ۶ دهستان، ۶ شهر و ۷۴ آبادی با سکنه دارد. (پایگاه اطلاع‌رسانی استانداری البرز، ۱۳۹۵). در این پژوهش منظور از کرج مناطق شهری ۱، ۲، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱ به همراه حریم‌های شهری آنها بیشتر مدنظر بوده که شامل مناطق بخش مرکزی کرج، کلاک، عظیمیه، اوج و حسن‌آباد، محمودآباد، رجایی‌شهر، باغستان و حیدرآباد، حصارک بالا، حصارک پایین، قزل‌حصار و مهدی‌آباد، گلشهر، مهرشهر، دولت‌آباد، میان‌جاده، مهرویلا و دهقان ویلا، کارخانه



قند، هفت تیر و... است.

### مناطق حاشیه‌نشین کرج

مناطق حاشیه‌نشین کرج به مناطقی اطلاق می‌شود که بر اساس معیارهایی از قبیل سطح اشغال، قیمت زمین، قدمت محله، کیفیت اراضی بستر به منظور سکونت، امکانات ورزشی و تفریحی، استفاده از مصالح بی‌دوام و شیوه ساخت ناپایدار، وضعیت بهداشت محیط، سیمای عمومی محله، ساخت‌وساز غیر قانونی و خارج از برنامه، شناسایی و شناخته می‌شود. کرج با توجه به آمار و اطلاعات و بررسیها، محلاتی با ویژگیهای سکونتگاه‌های غیر رسمی دارد که این محلات عبارت است از: صوفی‌آباد، سهرابیه، حسین‌آباد افشار، حسن‌آباد، حیدرآباد، اخترآباد قلمستان، ترک‌آباد، اسلام‌آباد، حصار پایین، خط چهار حصار (حصار بالا)، حصارک بالا، حصارک پایین، کلاک نو، خلیج آباد، ملک‌آباد، چنارک و بیدار چشمه، ده کلاک بالا، محمودآباد، سپیددشت و اسکویی (علی پور، ۱۳۹۳: ۸۸).

### منطقه اسلام‌آباد کرج

این محله مهاجرنشین، و به نامهای مختلفی مشهور است. نام رسمی آن اسلام‌آباد است؛ اما در زبان عرف، زورآباد خوانده می‌شود و در موارد زیادی هم آن را تپه مراد آب خوانده‌اند. این محله با شکل ظاهری و سکونتگاه‌های نامتعارف یا اصطلاحاً آلونک‌نشین با وسعت یک‌صد و شصت و پنج هکتار محدود و منحصر به تپه‌ای به ارتفاع یک هزار و چهارصد و هشتاد و پنج متر (بلندترین نقطه شهر کرج) در شهر مرکزی شهر کرج قرار دارد (پارسا پژوه، ۱۳۸۱: ۱۷۱).

### تاریخچه پیدایش و روند شکل‌گیری اسلام‌آباد (تپه مراد آب کرج)

۱ - سال ۱۳۱۱ ثبت تپه به‌عنوان مرتع مشاع قریه بیلقان ۲ - سال ۱۳۲۸ دریافت سند رسمی و مشاع مبنی بر مالکیت اهالی بر تپه توسط یکی از اهالی روستا از طریق پرداخت رشوه و زد و بند ۳ - سال ۱۳۴۵ تفکیک و فروش توسط ساکنان روستا ۴ - سال ۱۳۴۷ اعلام تپه به‌عنوان بخشی از اراضی ملی از سوی وزارت

منابع که زمینه ساخت‌وسازهای غیر مجاز را در محدوده تپه فراهم آورد. ۵ - سال ۱۳۵۲ - ۱۳۵۶ شدت یافتن مهاجرت و ساخت‌وساز در تپه که در سال ۱۳۵۶ به تکمیل نسبی ظرفیت تپه منجر می‌شود (علی پور، ۱۳۹۳: ۹۳).

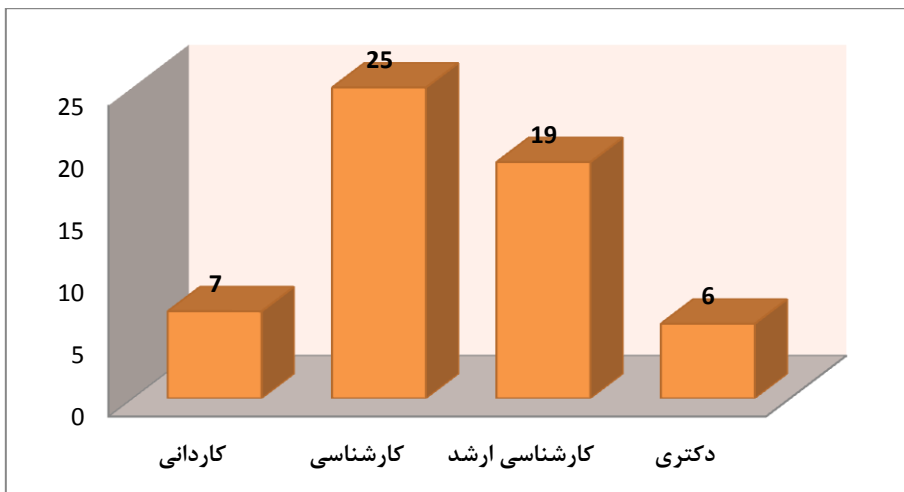
### چارچوب الگوی مفهومی

با توجه به هدف مقاله، که مشخص کردن عوامل مؤثر در پدیدایی بحرانهای امنیتی در این مناطق است و نظر به ملموس بودن محرومیت نسبی در مناطق حاشیه‌نشین در جمع‌بندی نهایی می‌توان چهارچوب نظری این تحقیق را بر نظریه محرومیت نسبی معطوف کرد. نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر، گویای وضعیتی است که در آن برخی از شهروندان (گروه‌ها) از امکانات و امتیازات بیشتری نسبت به ساکنان مناطق حاشیه‌نشین برخوردارند که نتیجه آن احساس محرومیت نسبی حاشیه‌نشینان است که این عامل، سرخوردگی و در ادامه، نارضایتی این افراد را به دنبال دارد؛ به همین ترتیب این نارضایتی مستمر انگیزه‌هایی را برای خشونت جمعی فراهم می‌کند و این خشونت‌های جمعی، می‌تواند ناامنیهای اجتماعی و در ادامه بحرانهای شهری را در پی داشته باشد.



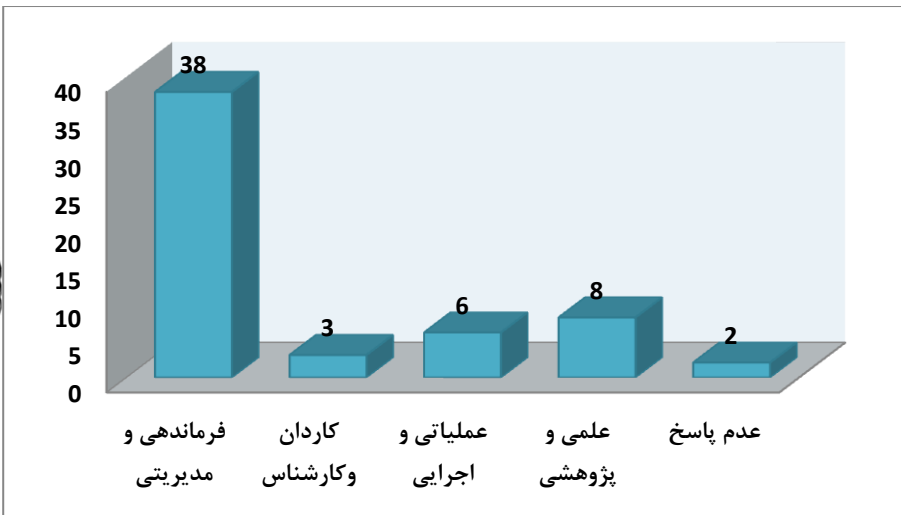
### ویژگی جمعیت شناختی پاسخگویان

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از نظر سطح تحصیلات، بیشترین افراد جامعه آماری با ۴۳/۹ درصد را با مدرک تحصیلی کارشناسی و کمترین تعداد آنها را با ۱۰/۵ درصد کارکنانی با مدرک تحصیلی دکتری تشکیل می‌دهند.



نمودار ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان از نظر تحصیلات

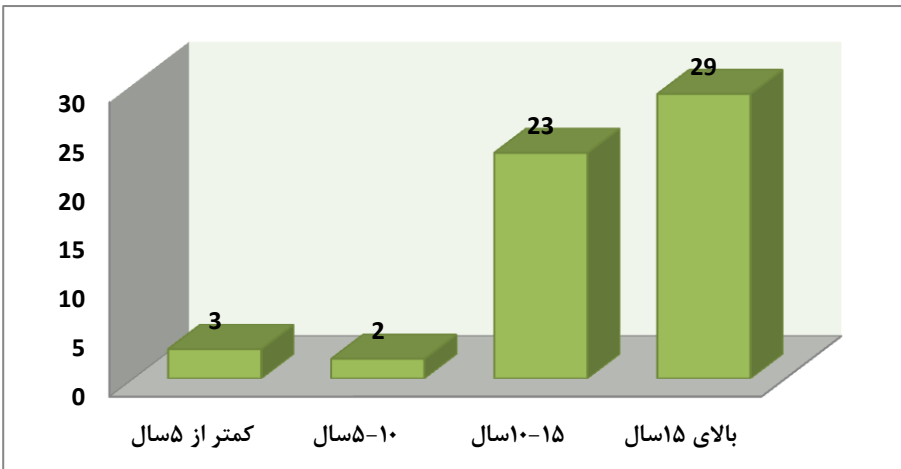
یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد رده خدمتی و یا سطح مسئولیتی پاسخگویان اعم از فرماندهی و مدیریتی با ۶۶/۷ درصد، کاردانی و کارشناسی ۵/۳ درصد، عملیاتی و اجرایی ۱۰/۵ درصد علمی و پژوهشی با ۱۴ درصد و عدم پاسخ با ۳/۵ درصد را شامل می‌شود.



نمودار ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان از نظر رده خدمتی و یا سطح مسئولیتی

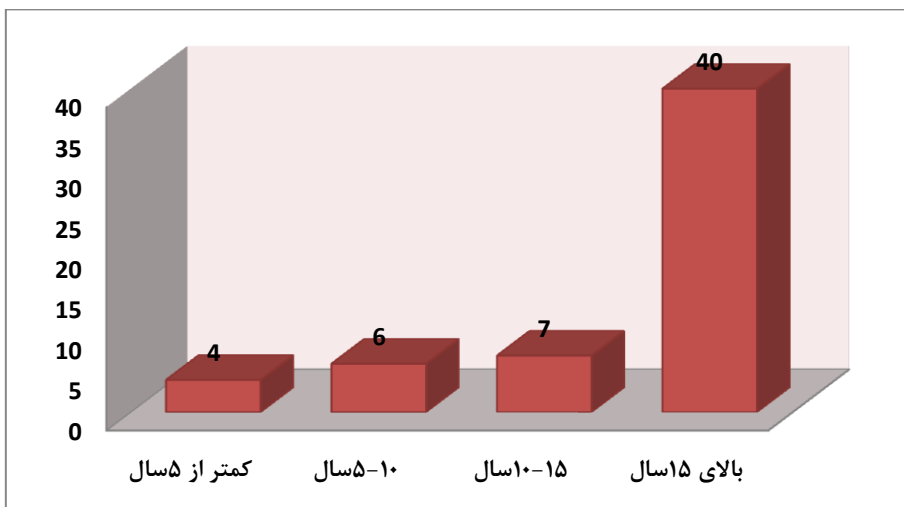
نمودار ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب سال و سابقه خدمتی را به تصویر

می‌کشد.



نمودار ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان از نظر سال و سابقه خدمتی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سابقه سکونت در شهر کرج پاسخگویان، کمتر از ۵ سال ۷ درصد، ۱۰ - ۵ سال ۱۰/۵ درصد، ۱۵ - ۱۰ سال ۱۲/۳ درصد، بیش از ۱۵ سال ۷۰/۲ درصد است.



نمودار ۵: توزیع فراوانی پاسخگویان از نظر سابقه سکونت در شهر کرج

در پاسخ سؤال اصلی: عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین شهر کرج کدام است؟ میانگین و واریانس بدست آمده در جدولها صفحات بعد ارائه می‌شود.

## جدول ۲: میانگین و واریانس عوامل اجتماعی و فرهنگی

ردیف	عوامل اجتماعی و فرهنگی	میانگین	واریانس
۱	فقر فرهنگی مناطق حاشیه‌نشین به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیرگذار است؟	۴/۳۲	۰/۴۳۴
۲	تعدد فرهنگها، آداب و رسوم مختلف، تنوع ویژگی و قومیت‌های فرهنگی مناطق حاشیه‌نشین به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیرگذار است؟	۳/۸۲	۰/۷۹۰
۳	تعلقات محلی شدید، وجود تعصبات و وابستگی‌های قومی، فرهنگی و خانوادگی حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیرگذار است؟	۳/۷۷	۰/۵۷۲
۴	ساختار و وضع نامطلوب اجتماعی - فرهنگی، خاستگاه فرهنگی و ویژگیهای فرهنگی خاص مناطق حاشیه‌نشین به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیرگذار است؟	۳/۹۸	۰/۴۱۰
۵	انزوایی، مشارکت اجتماعی کم، عدم احساس تعلق به محیط شهری و گوشه‌گیری از جریانات شهری حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیرگذار است؟	۳/۶۱	۰/۵۶۳
۶	بیگانگی حاشیه‌نشینان از ارزشها و هنجارهای اجتماعی و عدم پذیرش از جانب محیط شهری به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیرگذار است؟	۳/۸۹	۰/۴۱۷
۷	وجود فاصله طبقاتی و نابرابریهای اجتماعی و فرهنگی میان مناطق حاشیه‌نشین و شهروندان دیگر مناطق شهری به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیرگذار است؟	۴/۳۵	۰/۴۴۶
۸	داشتن مشاغل ابتدایی دون پایه، کاذب، غیر رسمی و غیر تولیدی و عدم ثبات شغلی حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیرگذار است؟	۳/۹۵	۰/۶۲۲
۹	وجود کجرفتاریها و خرده فرهنگهای خاص متعدد و عدم انطباق وضع زندگی خود با مدنیت شهری (عدم همانندگرایی با محیط شهری) حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیرگذار است؟	۳/۷۹	۰/۵۹۸
۱۰	وجود اختلافات و درگیریهای قومی، انواع نارضایتیها و نزاعهای جمعی ناشی از وابستگی‌های شدید قومی در مناطق حاشیه‌نشین به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیرگذار است؟	۳/۸۲	۰/۷۵۴
۱۱	ضعیف بودن ضریب امنیت اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیرگذار است؟	۳/۷۷	۰/۴۲۹
۱۲	ناهنجارها، آسیبها و انحرافات اجتماعی اعم از خشونت، بزهکاری و جرائم عمومی سازمان‌یافته از قبیل قاچاق، مفاسد اجتماعی و اخلاقی و مواد مخدر به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیرگذار است؟	۴/۲۵	۰/۴۷۴
۱۳	عدم آسایش اجتماعی و احساس خطر بین ساکنان این مناطق به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیرگذار است؟	۳/۷۲	۰/۵۶۳
۱۴	فقر فرهنگ شهرنشینی و پابندی به سنتها و عدم تمایل حاشیه‌نشینان به همسویی و همانندگرایی با محیط شهری (مقاومت در نهادهای سازی با فرهنگ شهری) به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیرگذار است؟	۳/۴۹	۰/۶۴۷
۱۵	همبستگی در منافع و مسائل جمعی مشترک حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیرگذار است؟	۳/۶۳	۰/۸۰۸

### ادامه جدول ۲: میانگین و واریانس عوامل اجتماعی و فرهنگی

ردیف	عوامل اجتماعی و فرهنگی	میانگین	واریانس
۱۶	احساس تحقیر اجتماعی حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیرگذار است؟	۴/۰۲	۰/۸۳۲
۱۷	فرهنگ قانون‌گریزی و واگرایی نسبت به قوانین شهری حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیرگذار است؟	۳/۸۱	۰/۸۷۳
۱۸	اختلال در هویت و احساس بی‌هویتی (بحران هویت) ناشی از عدم همانندگرایی با محیط شهری حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیرگذار است؟	۳/۹۶	۰/۶۷۷
۱۹	بافت جمعیتی ناهمگون، تعارض و اختلافات فرهنگی و قومی متعدد (هویت قومی و گروه‌گرایی) مناطق حاشیه‌نشین به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیرگذار است؟	۳/۸۱	۰/۵۸۷
۲۰	احساس تبعیض، بی‌عدالتی، حقارت و آمادگی برای آشوب و انفجار بین حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیرگذار است؟	۴/۳۹	۰/۴۲۰
۲۱	جوان بودن ترکیب جمعیتی و زیاد بودن نسبت گروه سنی جوان مناطق حاشیه‌نشین به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیرگذار است؟	۳/۵۸	۱/۰۷۰
۲۲	میزان زیاد بیسواد و کم‌سوادی حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیرگذار است؟	۳/۸۲	۰/۸۲۶
۲۳	مطالبه، خاستگاه برخورد اجتماعی و تساوی در امکانات اجتماعی و فرهنگی با دیگر حوزه‌های شهری حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیرگذار است؟	۳/۸۸	۰/۶۴۵
۲۴	سازمان‌یافتگی درونی حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیرگذار است؟	۳/۵۶	۰/۷۱۵
۲۵	وجود زندگی مغلغله و یا نیمه فعال حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیرگذار است؟	۳/۶۱	۰/۵۶۳
۲۶	بیکاری فزاینده و اشتغال به شغل‌های پست و غیراقتصادی بیشتر با منشأ بزه در مناطق حاشیه‌نشین به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیرگذار است؟	۴/۳۷	۰/۳۴۴

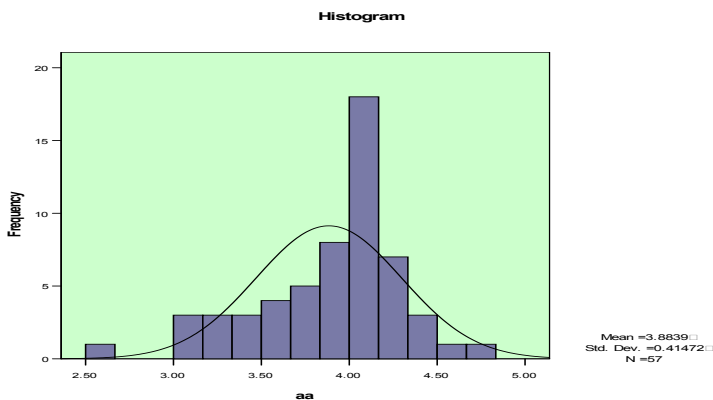
### جدول ۳: تحلیل شاخصهای مربوط به عوامل اجتماعی و فرهنگی

شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار
میانگین	۳/۸۸۳۹	انحراف معیار	۰/۴۱۴۷۲	حداکثر	۴/۷۷
میانه	۴/۰۰۰۰	دامنه تغییر	۲/۱۹	تعداد	۵۷
نما	۴/۰۰	حداقل	۲/۵۸		

میانگین مربوط به بعد عوامل اجتماعی و فرهنگی ۳/۸۸۳۹ است که با توجه به دامنه تغییر ۲/۱۹ و حداقل ۲/۵۸ و حداکثر ۴/۷۷ این میانگین از میانگین متوسط



بیشتر است؛ یعنی طبق نظر پاسخگویان، تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین شهر کرج از حد متوسط بسیار بیشتر است که به برنامه‌ریزی مدون، دقیق و نظام‌مند در راستای شاخصهای اجتماعی و فرهنگی این مناطق و مشخص کردن عوامل پنهان و آشکار این زمینه نیاز دارد.



نمودار ۳: هیستوگرام متغیر عوامل اجتماعی و فرهنگی

جدول ۴: آزمون تی استیودنت متغیر عوامل اجتماعی و فرهنگی

معناداری	مقدار t	میانگین	تعداد	متغیر
۰/۰۰۰	۱۶/۰۹۲	۳/۸۸۳۹	۵۷	عوامل اجتماعی و فرهنگی

از جدول چنین ملاحظه می‌شود که معنی‌داری شاخصهای مربوط به عوامل اجتماعی و فرهنگی از معنی‌داری در سطح آلفای ۰/۰۵ کوچکتر است؛ بدین معنی تفاوت بین معنی‌داری محاسبه‌شده و گزینه متوسط معنادار است. با توجه به آزمون فریدمن، بین تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین شهر کرج تفاوت وجود ندارد.

**جدول ۵: آزمون فریدمن عامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر پیدایش بحران‌های امنیتی**

تعداد	۵۷
آمار کای اسکوتر	۱۹۰/۸۴۵
درجه آزادی	۲۵
معنی داری	۰/۰۰۰

**جدول ۶: رتبه میانگین عوامل اجتماعی و فرهنگی**

ردیف	عوامل اجتماعی و فرهنگی	رتبه میانگین
۱	احساس تبعیض، بی‌عدالتی، حقارت و آماجگی برای آشوب و انفجار بین حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیر گذار است؟	۱۸/۳۸
۲	بیکاری فزاینده و اشتغال به شغل‌های پست و غیر اقتصادی بیشتر با منشأ بزه در مناطق حاشیه‌نشین به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیر گذار است؟	۱۸/۰۷
۳	فقر فرهنگی مناطق حاشیه‌نشین به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیر گذار است؟	۱۷/۸۸
۴	وجود فاصله طبقاتی و نابرابریهای اجتماعی و فرهنگی میان مناطق حاشیه‌نشین و شهروندان دیگر مناطق شهری به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیر گذار است؟	۱۷/۸۳
۵	ناهنجاریها، آسیبها و انحرافات اجتماعی اعم از خشونت، بزهکاری و جرائم عمومی سازمان‌یافته از قبیل قاچاق، مفاسد اجتماعی و اخلاقی و مواد مخدر به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیر گذار است؟	۱۶/۸۵
۶	احساس تحقیر اجتماعی حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیر گذار است؟	۱۴/۷۵
۷	اختلال در هویت و احساس بی‌هویتی (بحران هویت) ناشی از عدم همانندگرایی با محیط شهری حاشیه‌نشینان به چه میزان در شکل‌گیری و بروز بحرانهای امنیتی در این مناطق و دیگر حوزه‌های شهری تأثیر گذار است؟	۱۴/۵۶
۸	ساختار و وضعیت نامطلوب اجتماعی - فرهنگی، خاستگاه فرهنگی و ویژگیهای فرهنگی خاص مناطق حاشیه‌نشین به چه میزان در شکل‌گیری و بروز بحرانهای امنیتی در این مناطق و دیگر حوزه‌های شهری تأثیر گذار است؟	۱۴/۱۲
۹	داشتن مشاغل ابتدایی دون‌پایه، کاذب، غیر رسمی و غیر تولیدی و عدم ثبات شغلی حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیر گذار است؟	۱۳/۷۱
۱۰	خاستگاه برخورد اجتماعی و تساوی در امکانات اجتماعی و فرهنگی با دیگر حوزه‌های شهری حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیر گذار است؟	۱۳/۵۴
۱۱	بیگانگی حاشیه‌نشینان از ارزشها و هنجارهای اجتماعی و عدم پذیرش از جانب محیط شهری به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیر گذار است؟	۱۳/۳۵
۱۲	تعدد فرهنگها، آداب و رسوم مختلف، تنوع ویژگیها و قومیت‌های فرهنگی مناطق حاشیه‌نشین به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیر گذار است؟	۱۳/۱۷
۱۳	میزان زیاد بیسوادی و کم‌سوادی حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیر گذار است؟	۱۳/۱۳

## ادامه جدول ۶: رتبه میانگین عوامل اجتماعی و فرهنگی

رتبه میانگین	عوامل اجتماعی و فرهنگی	ردیف
۱۲/۸۶	بافت جمعیتی ناهمگون، تعارض و اختلافات فرهنگی و قومی متعدد (هویت قومی و گروه‌گرایی) مناطق حاشیه‌نشین به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیرگذار است؟	۱۴
۱۲/۸۴	وجود اختلافات و درگیریهای قومی، انواع نارضایتها و نزاعهای جمعی ناشی از وابستگی‌های شدید قومی در مناطق حاشیه‌نشین به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیرگذار است؟	۱۵
۱۲/۸۴	فرهنگ قانونگریزی و واگرایی نسبت به قوانین شهری حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیرگذار است؟	۱۶
۱۲/۵۷	وجود کجرفتاریها و خرده‌فرهنگهای خاص متعدد و عدم انطباق موقعیت زندگی خود با مدنیت شهری (عدم همانندگرایی با محیط شهری) حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیرگذار است؟	۱۷
۱۲/۲۵	تعلقات محلی شدید، وجود تعصبات و وابستگی‌های قومی، فرهنگی و خانوادگی حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیرگذار است؟	۱۸
۱۲/۲۰	ضعیف بودن ضریب امنیت اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیرگذار است؟	۱۹
۱۱/۶۲	عدم آسایش اجتماعی و احساس خطر بین ساکنان این مناطق به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیرگذار است؟	۲۰
۱۱/۲۱	جوان بودن ترکیب جمعیتی و زیاد بودن نسبت گروه سنی جوان مناطق حاشیه‌نشین به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیرگذار است؟	۲۱
۱۱/۱۹	همبستگی در منافع و مسائل جمعی مشترک حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیرگذار است؟	۲۲
۱۰/۷۸	انزوایابی، مشارکت اجتماعی کم، عدم احساس تعلق به محیط شهری و گوشه‌گیری از جریانات شهری حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در این مناطق تأثیرگذار است؟	۲۳
۱۰/۷۸	وجود زندگی منفعلانه و یا نیمه فعال حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیرگذار است؟	۲۴
۱۰/۷۱	سازمان‌یافتگی درونی حاشیه‌نشینان به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیرگذار است؟	۲۵
۹/۸۱	فقر فرهنگ شهرنشینی و پایبندی به سنتها و عدم تمایل حاشیه‌نشینان به همسویی و همانندگرایی با محیط شهری (مقاومت در نهادهای سازی با فرهنگ شهری) به چه میزان در پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین تأثیرگذار است؟	۲۶

نتایج جدول نشان می‌دهد معنی‌داری محاسبه‌شده برای عوامل یاد شده از معنی‌داری در سطح آلفای ۰/۰۵ کوچکتر است؛ لذا بین میزان تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین شهر کرج تفاوت

وجود دارد که جدول، نشانگر رتبه هرکدام به صورت مرتب است.

### نتیجه‌گیری

پس از جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها با روشهای آماری مناسب، این نتایج به دست آمد:

میانگین مربوط به بعد عوامل اجتماعی و فرهنگی ۳/۸۸۳۹، از میانگین متوسط بیشتر است؛ یعنی طبق نظر پاسخگویان این مطالعه، تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پیدایش بحرانهای امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین شهر کرج از حد متوسط بسیار بیشتر است که به برنامه‌ریزی مدون، دقیق و نظام‌مند در راستای شاخصهای اجتماعی و فرهنگی این مناطق و مشخص کردن عوامل پنهان و آشکار این زمینه نیاز دارد. وجود فاصله طبقاتی و نابرابریهای اجتماعی و فرهنگی میان مناطق حاشیه‌نشین و شهروندان دیگر مناطق شهری، وجود ناهنجاریها، آسیبها و انحرافات اجتماعی اعم از خشونت، بزهکاری و جرائم عمومی سازمان‌یافته از قبیل قاچاق، مفاسد اجتماعی و اخلاقی و مواد مخدر، احساس تحقیر اجتماعی، احساس تبعیض، بی‌عدالتی و آمادگی برای آشوب و انفجار بین حاشیه‌نشینان، بیکاری فزاینده و اشتغال به شغل‌های پست و غیر اقتصادی بیشتر با منشأ بزه، میزان زیاد بیسوادی و کم‌سوادی، بافت جمعیتی ناهمگون، تعارض و اختلافات فرهنگی و قومی متعدد، اختلال در هویت و احساس بی‌هویتی (بحران هویت) ناشی از عدم همانندگرایی با محیط شهری حاشیه‌نشینان، وجود اختلافات و درگیریهای قومی، انواع نارضایتیها و نزاعهای جمعی ناشی از وابستگی‌های شدید قومی، وجود کجرفتاریها و خرده‌فرهنگهای خاص متعدد و عدم انطباق موقعیت زندگی با مدنیت شهری (عدم همانندگرایی با محیط شهری)، تعدد فرهنگها، آداب و رسوم مختلف، تنوع ویژگیهای و قومیت‌های فرهنگی مناطق حاشیه‌نشین می‌تواند از شاخصهای

تأثیرگذار عامل اجتماعی و فرهنگی در پیدایش بحرانهای امنیتی (به صورت مستقیم و غیر مستقیم) در مناطق حاشیه‌نشین و دیگر حوزه‌های شهری باشد.

در زمینه شاخصهای عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پیدایش بحرانهای امنیتی می‌توان این راهکارها و پیشنهادهای را در راستای جلوگیری از پیدایش بحران امنیتی در این مناطق ارائه کرد:

۱ - توزیع عادلانه، متوازن و متعادل امکانات، خدمات رفاهی، آموزشی، تسهیلات شهری و تأسیسات زیربنایی از سوی مسئولان و مدیران شهری به این مناطق باهدف تعدیل و رفع احساس تبعیض، بی‌عدالتی

۲ - نظارت بیشتر مدیران و مسئولان شهری بر فعل و انفعالات درون‌شهری این مناطق در حوزه اجتماعی و فرهنگی با نگاه رفع کمبودهای فرهنگی و اجتماعی این مناطق

۳ - توانمندسازی اجتماعی و فرهنگی حاشیه‌نشینان با راه‌لها و راهکارهای بومی همان منطقه

۴ - به رسمیت شناختن این مناطق به‌عنوان جزئی از شهر و پذیرفتن حاشیه‌نشینان به‌عنوان شهروند با ایجاد فضای اجتماعی و فرهنگی متناسب در سطح شهر

۵ - پیش‌بینی و ایجاد اشتغال و کارافرینی برای حاشیه‌نشینان بویژه نسل دوم آنها در بخشهای تولیدی شهرستان و استان توسط مدیران و مسئولان شهری به‌منظور کاهش بیکاری و اشتغال در اقتصاد غیر رسمی و کاذب از یک‌سو و افزایش درآمد و کاهش فقر و بهبود کیفیت زندگی آنها در راستای گسترش عدالت اجتماعی و زدودن تبعیض

۶ - افزایش تخصص و مهارت نیروی کار مناطق حاشیه‌نشین بویژه جوانان از طریق آموزشهای رسمی و مهارتی (سوادآموزی و حرفه‌آموزی) به‌منظور جذب در

اقتصاد بخش رسمی و کاهش اشتغال در بخش غیر رسمی با نگاه رفع و زدودن تبعیض اجتماعی

۷ - افزایش و ارتقای تحصیلات جوانان این مناطق از طریق تشویق و برنامه‌های آموزشی متناسب و جذاب و رسیدگی به وضعیت آموزشی و پرورشی ساکنان این مناطق توسط مسئولان شهری

۸ - ارتقای سطح فرهنگی و اجتماعی این مناطق با برنامه‌های مهارتی و آموزشی مناسب و استفاده از ظرفیتهای بومی منطقه با نگاه سوق دادن ساکنان این مناطق به پیروی از قوانین شهری و ایجاد احساس هویت شهری و همانندگرایی آنها با محیط شهری

۹ - شکلهی هیئت‌های مذهبی و اجتماعات فرهنگی - اجتماعی با نگاه ایجاد زمینه‌های مساعد برای شکل‌گیری سازمانهای مردم‌نهاد فرهنگی و اجتماعی با هدف رفع مشکلات این مناطق با استفاده از ظرفیتهای بومی منطقه

۱۰ - تلاش مدیران و مسئولان شهری در جهت توانمندسازی این مناطق و تبدیل حاشیه‌نشینان به شهروندان متعارف شهری و تبدیل کردن این مناطق به مناطق متعارف شهری با نگاه تعدیل و رفع احساس تحقیر اجتماعی حاشیه‌نشینان و آمادگی اعتراض‌آمیز در جوانان

۱۱ - ایجاد مراکز اجتماعی، فرهنگی و هنری و جلب مشارکت ساکنان این مناطق در راستای پر کردن اوقات فراغت آنها در گام اول و ترویج و ارتقای مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی شهری در گام بعدی

۱۲ - ایجاد و برپایی مراکز ورزشی متناسب در جهت ترغیب جوانان نسبت به فعالیتهای ورزشی و سوق دادن آنها به این‌گونه فعالیتها به منظور دوری از بزهکاری و مفسد اجتماعی

۱۳ - اجرای طرحهای کارافرینی و احداث کارگاه‌های کوچک در جهت رفع

بیکاری و افزایش سطح درآمد خانوار این مناطق با نگاه ایجاد احساس عدالت اجتماعی و زدودن تبعیض

۱۴ - به رسمیت شناختن حقوق ساکنان این مناطق در برنامه‌ریزیهای اجتماعی و فرهنگی شهری

۱۵ - توجه جدی و ویژه به ترکیب جمعیتی جوان این مناطق و فعال کردن آنان در اقدامات بهسازی این مناطق از دید اجتماعی و فرهنگی

۱۶ - اجرای اقدامات اجتماعی و فرهنگی متناسب در راستای ایجاد روحیه و انگیزه تعاملی و همکاری بین گروه‌ها و قومیت‌های متعدد این مناطق با هدف تعدیل و رفع تعارضات و اختلافات اجتماعی و نزاعهای دسته‌جمعی

۱۷ - تبدیل زندگی منفعلانه و نیمه فعال حاشیه‌نشینان به زندگی فعال شهری با هدف استفاده از ظرفیتهای داخلی و بومی همان منطقه در بهبود روند اجتماعی و فرهنگی این مناطق

## منابع

۱. احمدیان، محمدعلی (۱۳۸۲). حاشیه‌نشینی ریشه‌ها و راه‌حل‌ها. مجله اندیشه حوزه. ش ۴۳ و ۴۴.
۲. ارمغان، سیمین (۱۳۸۹). اثرات امنیتی قاچاق کالا در مناطق حاشیه‌ای، اقتصاد پنهان. فصلنامه پژوهشی - تحلیلی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز. ش ۱۲.
۳. امیری، عبدالرضا (۱۳۹۱). مطالعه فرایند و متغیرهای مؤثر بر امنیتی‌شدن بحران‌های اجتماعی. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات مدیریت انتظامی. ش ۲.
۴. برآبادی، محمود (۱۳۸۱). حاشیه‌نشینی به قدمت شهرنشینی. ماهنامه شهرداری‌ها. س چهارم. ش ۴۵.
۵. بوتانی، محمدحسین (۱۳۸۳). اسکان غیر رسمی در محله برز ایلام. ماهنامه شهرداری‌ها. س ششم. ش ۶۶.
۶. پارسا پژوه، سپیده (۱۳۸۱). نگرشی از درون به پدیده حاشیه‌نشینی. فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی. س دوم. ش ۶.
۷. پور جلیلی، عبدالله (۱۳۹۰). حاشیه‌نشینی و تأثیر آن بر امنیت کلان‌شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
۸. حاتمی، نادر (۱۳۸۷). حاشیه‌نشینی و معضل بزهکاری ۱. مجله اصلاح و تربیت. ش ۷۲.
۹. حاتمی، نادر (۱۳۸۷). حاشیه‌نشینی و معضل بزهکاری ۲. مجله اصلاح و تربیت. ش ۷۳.
۱۰. حاج یوسفی، علی (۱۳۸۲). پدیده حاشیه‌نشینی شهری قبل از انقلاب. مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی. ج اول. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.



۱۱. حسینی، حسین؛ جدی، سید مجید (۱۳۸۵). مدیریت بحران با رویکرد امنیت عمومی. ج اول، معاونت آموزش.
۱۲. حسینی، سید حامد؛ سوری، علیرضا (۱۳۹۳). حاشیه‌نشینی در کلان‌شهر تهران و پیامدهای امنیتی آن. فصلنامه مدیریت بحران. س ششم. ش ۲۲.
۱۳. دفتر توانمندسازی و سازماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی کشور. ۱۳۹۴.
۱۴. رابرت گرد، تد (۱۳۷۷). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند. چ سوم. ترجمه علی مرشدی زاده. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۵. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷). توسعه و تضاد. تهران: انتشارات علمی.
۱۶. روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۴). زمینه فرهنگ شناسی. چ دوم. انتشارات پیام نور.
۱۷. علی پور، سمیه (۱۳۹۳). سکونتگاه‌های غیر رسمی از اسکان تا تخریب. تهران: انتشارات نوآوران سینا.
۱۸. کارگر، بهمن (۱۳۸۶). حاشیه‌نشینی و امنیت شهری. نشریه انجمن جغرافیایی ایران. دوره جدید. س پنجم. ش ۱۴ و ۱۵.
۱۹. کوثری، مسعود؛ نجاتی حسینی، محمود (۱۳۸۸). آنومی اجتماعی در مناطق حاشیه تهران بزرگ. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۲۰. لطفی، حیدر؛ میرزایی، مینو؛ عدالت‌خواه، فردا رد؛ وزیر پور، شب بو (۱۳۸۹). بحران حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی در مدیریت جهانی و رهیافت‌های جهانی. فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیای انسانی. س دوم. ش ۲.
۲۱. محسنی، رضا علی (۱۳۸۹). مسئله حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی با تأکید بر توانمندسازی آن، مطالعه موردی: حاشیه‌نشینان شهر گرگان. فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیای انسانی. س دوم. ش ۴.

۲۲. مشکور، محمدجواد (۱۳۷۵). نظر به تاریخ آذربایجان. انتشارات کهکشان.
۲۳. مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰). تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
24. Coit,k (1994). "Self – Help Housing for the poor, A Cross,cultural Study Cities, N0 11.
25. Holst,ole R (1972) Crisis, Escalation, War. monterreal, mcgill, Queens university press.